

از هوای آلوده تا شب یلدا!

فارغ از اینکه واژه ی آریایی با چه تعبیر و برداشت هایی از آن مورد استفاده واقع شده است، به طوریکه برخی آن را واژه ای می دانند، بیان گر واقعیتی مبنی بر متفاوت بودن نژاد ایرانی از سایر نژادها به دلایل ویژگیهای خاص خودش و یا واژه ای با بهره برداری سیاسی استعمارگرانه ای در ایجاد نفاق؛ در سرزمین وسیعی که ایران خوانده می شد، قبایل متفاوتی حضور داشتند. همچون کاسی ها، لولوبیان، اورارتو، عیلامیان، مانائیان و گوتی ها. آنچه روشن است بعدها با مهاجرت اقوام آریایی به این سرزمین و تشکیل دولت مرکزی این اقوام با هم ترکیب شده و از همان آغاز برخوردار از تنوع فرهنگی بوده اند. سرزمین کنونی ایران که بخشی از همان فلات ایران است، همچنان با تمدن های متفاوت از پیش از مهاجرت آریایی ها، خود را ایرانی و آریایی می شناسد. واژه آریایی کلمه ای از زبان سانسکریت، به معنی نجیب است. مفهوم نجابت چیست؟! در لغتنامه دهخدا واژه نجابت به اصالت و بزرگواری بر فرد اطلاق می شود. اما سؤال اینکه آیا ایرانی نجیب است و چرا؟

دکتر آزاد ارمکی، جامعه شناس فرهنگی در تحلیل از تاریخ اجتماعی ایرانیان، در توضیح بر واژه نجیب بودن ایرانی اعتقاد دارد که مردم ایران نسبت به مسائل بسیار نجیب و پر تحمل اند، چرا که همواره با صبوری نسبت به امر اجتماعی برخورد می کنند. او ایرانیان را نجیب می شمارد بدان جهت که مردمان این جامعه همواره در فراز و نشیب های سرزمینشان با نجابت و بردباری زندگی را پیش برده اند. مردمی که در طول دوره ها و حملات متعدد و دشواریهای زیستی اش، با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم کردند، اما همچنان در مسیر باورهایشان مبنی بر اینکه هیچ پاداشی در نزد خدایش، چه با نام اهورا مزدا و چه با نام خدا، زایل نمی شود، کوشیده است. این کوشش گاه با مبارزه و مواجهه با دشمنان خارجی، گاه با چاره اندیشی بر خشکی ها و بی آبی هایی که در دعاهایش در طلب بوده است.

شب یلدا، فرصتی مغتنم برای ایجاد خاطره ای شیرین توام با احساسی نوستالژیک برای هر ایرانی است. شبی بلند و سرد از سال با امید بر بارشی کافی برای برداشت محصول زمین کشاورزی (ایرانیان باستان کشاورز بودند و همه چشم بر آسمان)، چنان چه برف زمین را سفید پوش کرده باشد. فرصتی برای دور هم بودن در کنار افراد بزرگسال، خوردن تنقلاتی از میوه های تابستانی خشک شده، آجیل و هندوانه ای ویژه و بالاخره خواندن و شنیدن فال حافظ. حتی بیان و تصور آن نیز شیرین است! اما

در حال و هم اکنون شب یلدا به ویژه در شهرهایی بزرگ همچون تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، ارومیه و... چگونه است؟! شهرهایی که آلودگی و غبار و سرب بر سر وجانش ریخته است! فرصتی تا ایرانی با همه آسیب های ناشی از این شرایط راهی برای فراغت از این شرایط بیابد. فرصتی تا با کنار هم قرار گرفتن و اظهار آزردهی از خشکی و آلودگی در شهر، اما دمی در کنار هم آسوده تر پیش ببرد، فرصتی برای آنکه با پرسش از چگونگی مسئولیت مسئولین سخن بگوید و یا با نگرانی از خودش سوال کند که آیا خداوند بر ما قهرش گرفته است! تردیدی نیست، در اذهان چنین مردمی، همواره در طول هزارها سال چنین اندیشیده و چنین نیز بیانده شد! ولیکن این نجات ایرانی است یا ناتوانی از پاسخی مناسب بر آن که در این شرایط می کوشد تا چنان چه خود را از پاسخ بر آن ناتوان بیابد راهی بسوی دمی شاد بودن و شاد زیستن به نزد اقوام و دوست، آشنا ببرد. تا این روزها را برای خود امکان پذیر سازد. بی شک در نزد جوانان امروز جامعه ایران، در چنین شبی که شاید به سختی از گویی های خود فاصله بگیرند، بسیار فهم این موضوع دشوار است. اینکه چگونه ایرانیان چنین شبی را فارغ از هوای آلوده اما در کنار هم با آذوقه زمستانی شان شاد بودند و برای محصول سال آینده شان دعا گو. فارغ از دغدغه ای بنام آلودگی. شادی در کنار با هم بودن و در دعا و نیایشی برای برکت در سال آتی.

سخن کوتاه باید کرد و چاره ای باید اندیشید؛ اگر می توانی وسیله خود را بیرون نبر یا چنان که می توانی برای هموطن خود در این روزها و شبها بر افزایش نرخ جنس انار و هندوانه و... نیفز! بگذار شبی را فارغ از هوای آلوده در کنار هم نفسی از سر جان بکشیم:

اگر به کوی تو باشد مرا مجال وصول *** رسد به دولتِ وصلتِ نوای من به اصول

دکتر مهشید رضوی رضوانی